



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: احکام قطع  
 موضوع جزئی: اطمینان - اقوال - قول چهارم - قول پنجم - قول ششم - حق در مسئله مقام اول: مصادف با: ۱۲ شعبان ۱۴۴۴  
 بررسی حجیت اطمینان - اشکال به دلیل اول حجیت  
 سال چهاردهم  
 جلسه: ۸۵  
 تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۴۰۱

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم درباره حجیت اطمینان، اقوال مختلفی وجود دارد؛ قول اول، دوم و سوم بیان شد. در مورد قول سوم، بنابر یک احتمال می توان آن را یک قول مستقلاً محسوب نمود، اما بنابر یک احتمال این ملحق به همان نظر مشهور است که حجیت اطمینان را از باب حجیت سیره عقلاً می دانند که انشاء الله نظر مشهور را نیز شرح خواهیم داد.

#### قول چهارم

در میان برخی از کسانی که قائل به حجیت اطمینان از باب حجیت قطع، یا از باب حکم عقل شده اند یا به تعبیر دیگر آنهایی که حجیت اطمینان را ذاتی می دانند. برخی معتقدند که اطمینان حجیت ذاتی دارد، مطلقاً چه برای اهل فهم و اهل خرد و بصیرت و اشخاص خبره، چه برای افراد عادی و می گویند فرقی نمی کند در حجیت اطمینان بین اینکه اطمینان از اسباب عادی حاصل شود یا اسباب غیر عادی و بین اینکه آن شخصی که اطمینان برای او حاصل شده از اهل فهم و خبره باشد یا از اهل فهم و خبره نباشد، کغالب الناس، لذا اطمینان حجیت ذاتی دارد و این اطلاق دارد، هم به جهت اسباب، اعم از اینکه اسباب حصولش عادی باشد یا غیر عادی و هم به جهت اشخاص، اعم از اینکه آن اشخاص اهل فهم و بصیرت باشند یا نباشند.

اما در مقابل برخی مثل مرحوم سید یزدی اطمینان را برای کسانی که اهل فهم و بصیرت و خبره باشند حجت می داند. ایشان می گوید اطمینان غالب مردم به ادنی شیء پدید می آید که این ارزش ندارد، غالب مردم با یک سبب خیلی جزئی اطمینان پیدا می کنند در حالی که برای کسانی که تا حدی اهل فهم و خرد هستند، این موجب اطمینان نمی شود. عبارت ایشان این است «والحاصل أنه یکفی الوثوق والاطمئنان للشخص من أي وجه حصل» اینجا بین سبب حصول اسباب قطع نیز تفکیک نمی کند «بشرط کونه من أهل الفهم والخبرة والبصيرة والمعرفة بالمسائل لا من الجهال ولا ممن يحصل له الاطمئنان والوثوق بأدنی شیء کغالب الناس» ایشان ضمن اینکه بین اسباب حصول قطع فرق نمی گذارد اما از آن طرف ادنی شیء را نیز برای حصول اطمینان کافی نمی داند، اینکه حالا چیز بسیار جزئی سبب اطمینان و وثوق شود، به نظر ایشان کافی و مفید نیست. البته ممکن است این اختلاف بین قائلین به حجیت ذاتی نباشد؛ حتی کسانی هم که حجیت اطمینان را از باب سیره عقلاً می دانند، آنها نیز این تفصیل را بپذیرند. به هر حال این هم می شود قول چهارم. پس قول چهارم اختصاص حجیت ذاتی اطمینان به کسانی است که اهل فهم و خرد و بصیرت هستند.

#### قول پنجم

قول پنجم قول مشهور است که قائل به حجیت اطمینان هستند و آن را از باب حجیت عقلانیه معتبر می‌دانند. مشهور معتقدند، اطمینان یک راه عقلایی است برای بسیاری از امور، هم در کشف و شناخت موضوعات و هم در احکام. سیره عقلا بر این است که به اطمینان اخذ می‌کنند، یعنی جایی که درصد بسیار ناچیزی احتمال خلاف می‌دهند به آن اعتنا نمی‌کنند و در جمیع امورشان به اطمینان اخذ و بر آن اثر مترتب می‌کنند، در همه امور اینگونه است. این سیره مسلم است.

شارع نیز از این سیره منع و ردع نکرده است و اگر یک سیره عقلایی از سیر مستحذته نبود و اتصال تا زمان معصوم هم داشت، یعنی در مرعی و منظر شارع عقلا اینچنین عمل می‌کردند و شارع نیز از آن منع و ردع نکرده، معلوم می‌شود این سیره و بناء عملی حجیت دارد و معتبر است.

مرحوم حکیم می‌فرماید «بل الظاهر مفروغیه ان حجة الاطمئنان فی المقام بل لعله فی کل مقام» همه جا اینچنین است «لبناء العقلا علیها و عدم ثبوت الردع عنه»<sup>۱</sup> زیرا بنای عقلای این است که به اطمینان اخذ می‌کنند و ردع هم از سوی شارع نشده است. محقق خوبی نیز همین مطلب را فرموده «الاطمئنان المعبر عنه بالعلم العادی العقلایی الذی یکون احتمال خلافه موهوما غایته و لا یعنی به العقلاء، و الا فهو حجة عقلانیه يعتمد علیه العقلاء فی جمیع امورهم و لم یروع عن ان عملهم هذا فی الشریعة المقدسه»<sup>۲</sup>؛ در شریعت مقدس از این عمل عقلا ردع نشده است. این نیز قول پنجم است که حجیت اطمینان را از باب حجیت عقلایی می‌دانند، یعنی سیره عقلاء که از ناحیه شارع ردع هم صورت نگرفته است.

### قول ششم

تا اینجا این اقوال پنج‌گانه همه حول حجیت اطمینان بود، یعنی اینها همه اطمینان را حجت می‌دانند، اما اینکه مبنای حجیت کدام است محل بحث است. در مقابل برخی قائل به عدم حجیت شدند. حال ممکن است بین قائلین به عدم حجیت بتوانیم تفکیک کنیم، اینکه مثلا حجیت برای اطمینان هم در موضوعات و هم در احکام ثابت نیست. اینکه من عرض می‌کنم بعضی از عبارات شاید موهم این معنا باشد که اطمینان در باب موضوعات ثابت نیست. حال برخی هم می‌گویند نه در باب موضوعات و نه در باب احکام حجیت ندارند، مثل محقق عراقی و از معاصرین مرحوم سید سعید حکیم که سال گذشته از دنیا رفتند قائل به عدم حجیت شدند که باید ببینیم ادله ایشان بر عدم حجیت چیست و آیا می‌تواند عدم حجیت اطمینان را ثابت کند یا خیر؟

محقق عراقی در تعلیقه‌ای که بر عروه دارند می‌فرمایند: «فی الاکتفاء بالاطمئنان نظر، لعدم ثبوت حجیته خصوصا فی الموضوعات»<sup>۳</sup> ظاهرش این است که ایشان حجیت اطمینان را قبول ندارند مخصوصا در موضوعات، یعنی این را با تأکید فرموده، حال اینکه در احکام نیز نمی‌پذیرد یا می‌پذیرد، شاید برخی از عبارات محقق عراقی مشعر به این است که ایشان حجیت اطمینان را در باب احکام می‌پذیرد و آن را فقط در خصوص موضوعات نفی می‌کند.

ایشان به این جمله از روایت مسعده بن صدقه استناد می‌کند که می‌گوید «الاشیاء کلها علی ذلک حتی تستبین او تقوم به البینه»، می‌گوید این سیره‌ای که از سوی عقلاء وجود دارد که به اطمینان اخذ کنند، با این جمله ردع شده و از آن منع شده. زیرا می‌گوید

<sup>۱</sup> مستمسک، ج ۷، ص ۲۰۶

<sup>۲</sup> موسوعه محقق خوبی، ج ۳، ص ۱۵۹

<sup>۳</sup> تلیقه الاستدلالیه علی العروه، ص ۱۳۰.

تا زمانی که یقین یا بینة حاصل نشود این اشیاء علی ذلک یعنی بر منع باقی هستند، یقین که معلوم است، یقین همان قطع است، مگر اینکه بگوییم منظور از یقین در اینجا یقین عرفی و عادی است که شامل اطمینان نیز می‌شود، این هم بعید نیست ولی با توجه به فرمایشات خود ایشان در جای دیگر و استدلالی که اینجا می‌کند، ایشان می‌خواهد بگوید اطمینان در دایره این روایت قرار نمی‌گیرد. پس محقق عراقی می‌فرماید: یا یقین باید باشد یا بینة زیرا از این روایت این فهمیده می‌شود.

در اشکال به محقق عراقی می‌توانیم بگوییم که «حتی تستبین» تا برای آشکار شود، واضح شود، این هم شامل قطع می‌شود هم اطمینان، اینکه «حتی تستبین» را منحصر به فرض یقین کنیم و بگوییم شامل اطمینان نمی‌شود، این خلاف ظاهر است. مرحوم سید محمد سعید حکیم معتقد است بین قطع و اطمینان تفاوت‌های اساسی وجود دارد و ما اصلاً سیره‌ای بین عقلاً مبنی بر اینکه به اطمینان اخذ کنند نداریم و بر فرض هم که این سیره وجود داشته باشد، از ناحیه شارع مورد ردع قرار گرفته، یعنی ایشان هم به مقدمه اول مشهور اشکال می‌کند و هم به مقدمه دوم، به هر دو اشکال می‌کند.

مقدمه اول این بود که بناء عملی عقلاً این است که به اطمینان اخذ می‌کنند، این مورد انکار قرار گرفته است.

مقدمه دوم این بود که شارع از این سیره ردع نکرده، ایشان مدعی است که شارع از این سیره ردع کرده است.

لذا اشکال ایشان هم در مقدمه اول دلیل مشهور است و هم نسبت به مقدمه دوم. البته می‌گویند این منافاتی ندارد که اطمینان در بعضی موارد خاص به وسیله شارع معتبر دانسته شود، مثل ظنون که اعتباری ندارند ولی گاهی دلیل خاصی بر اعتبار ظنون خاص قائم شده است، در مورد اطمینان نیز همینطور است، در بعضی از موارد شارع اطمینان را حجت کرده و معتبر دانسته است ولی این موارد بسیار کم هستند و خیلی موارد نادری است که اطمینان حجت دانسته شده باشد. این نیز قول ششم است.

### حق در مسئله

دو مسئله باید اینجا مورد بررسی قرار بگیرد اول اصل حجیت و اعتبار اطمینان است و اگر اصل حجیت ثابت شد آنگاه وجه حجیت را باید بیان کنیم. به عبارت دیگر ما ابتدا ادله‌ای که برای عدم حجیت اطمینان ذکر شده را بررسی می‌کنیم و چنانچه این ادله مردود شد و معلوم گردید اطمینان معتبر است و عدم حجیت اطمینان قابل اعتنا نیست، می‌آییم سراغ اینکه وجه حجیت اطمینان چیست، این دو مرحله و دو مقامی است که باید دنبال کنیم.

### مقام اول: بررسی حجیت اطمینان

اما عمده بحث‌هایی که در مورد نفی حجیت اطمینان شده در کتاب المحکم فی اصول الفقه، تألیف مرحوم آیت الله سید محمد سعید حکیم است، آنجا این ادله را بیان کرده است و نقد کرده است.

ایشان ادله حجیت اطمینان را ذکر می‌کند و یکی یکی به اینها اشکال می‌کند.

### دلیل اول

یک دلیل بر این که اطمینان حجت است این است که از نظر عرف و عقلاً، اطمینان نیز نوعی یقین محسوب می‌شود و چون نوعی یقین محسوب می‌شود پس حکم یقین را دارد. از نظر لغت نیز که به معنای سکون و آرامش و ثبات است، این دقیقاً مثل قطع است. در مورد یقین و قطع نیز لغتاً چنین معنایی دارد و هم آن اثری که بر یقین و قطع مترتب می‌شود بر اطمینان نیز مترتب می‌شود. پس به دو جهت اطمینان حکم یقین را دارد:

۱. از نظر عرف این قطع و یقین محسوب می‌شود، یعنی شما اگر به عرف بگویی قطع چیست و مصادیقش کدام است حتما اطمینان را از مصادیق یقین می‌دانند لذا ملاحظه کردید که در بعضی از عبارات عنوان یقین عرفی و علم عادی به کار می‌رود.

۲. از نظر لغت نیز معنایش سکون و آرامش و ثبات است، یعنی همانطور که قطع این معنا را دارد، اطمینان نیز این معنا را دارد. با وجود نظر اهل لغت و اهل عرف، ما چطور بگوییم اطمینان غیر از یقین و قطع است. وقتی همان اثر را دارد، حجیت نیز یکی از آثار قطع است، مثل اینکه بگوییم اطمینان قطع است، یعنی تنزیل کنیم اطمینان را نازل منزله قطع، اطمینان قطع است و قطع حجت است، نتیجه اینکه اطمینان نیز حجت است. کبری که مشکل ندارد، صغری نیز با این معنا روشن شد که هم لغت و هم عرف اطمینان را قطع محسوب می‌کنند.

### **بحث جلسه آینده**

ایشان می‌گویند بین اطمینان و یقین فرق است، چه کسی گفته است یقین همان اطمینان است؟ یقین یعنی هیچ احتمال خلافی داده نشود ولی در اطمینان مقدار ناچیزی احتمال خلاف وجود دارد، این را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»